باب و جریان شناسی انحرافی "بابیت"
مباحث مربوط به شناسایی فرقه‌های انحرافی در جریان مهدویت در شماره‌های پیشین مجله پیگیری شد و در دو مقاله از خاستگاه فرقه ضاله «بابیت» سخن به میان آمد. برخی از ادعاها در ویژگی‌های این فرقه مورد نقد و بررسی قرار گرفته از آن روی که با وژه‌های متعدد «باب» (با تعلیم مختلف در گزینه‌های مختلف) دارد دست‌نویسی برای ادعاهاي نامه‌ای عده‌ای در طول تاریخ مسلمانان به ویژه در قرن سیزدهم گشته و گرما و ارتقاء بسیاری را به دنبال داشت. در این مقاله به بازخوانی مشاهده «باب» و مدعیان و مصداق بر این استیون آن پرداخته. تعدادی از مدعیان در ویژگی «بابیت» در عصر حضور و غیبت معرفی گردیده‌اند.
یادسپاری
عنوان «باب» لقبی مقدَّس در احادیث و روايات رسیده از پیامبر و اهل بیت اطهار(ع) است و افرادی از اصحاب بر جستجوی پیشواان مصوع(ع) به خاطر ویژگی‌هایی که بر شمرده خواهد شد، به عنوان «باب» خوانده می‌شوند.
در این میان، عدّه‌ای جهت رسیدن به امیال و هواهای نفسی خویش، از این وراثه مقدّس در تعالیم دینی و شیعی، بهره جسته و به دروغ خود را «باب انمّه» معنایی کرده‌اند. البته خوانندگان محترم بر این امر اگاهند که در طول تاریخ، عدّه‌ای با ادعای دروغین «الوهيّت»، «ربوبیّت»، «نووّت» و «امامت»، هم خود از راه حق متحرّف شدند و هم عدّه‌ای از مردم ناگاه با مغرّب و سوء جو را به انحراف کشانند.
در جریان شناسی انحرافی «بابیّت» دقیقاً تکرار همین نکته‌ها می‌باشد. از این رو، بر عالمان دین و دست اندرکاران امور دینی – فرهنگی فرض است که ضمن بازخوانی تاریخ گذشته، به شناسایی زمینه‌های این نوع انحراف در عصر کنونی پرداخته و با اطلاع رسانی لازم و هشدار به هنگام، از پیدا شن ویّت دروغین و گراش به آن جلوگیری به عمل آید. اینکه با توجه به اهمیّت مسائل، و تناوب مباحث گذشته، در بخش معرفی فرقه‌های انحرافی در مورد حضرت مهدی(ع) – که از فرقة ضالة «بابیّه» سخن به میان آمد – در این نوشته به مسألة «باب» به عنوان لقبی ارزش‌مند و از «آبوب» و «باوب» به عنوان انسان‌های
برجسته سخن خواهیم گفت و سپس با شناسایی اجمالی مدعیان دروغین بابیت در عصر حضور و غیبت، عده‌ای را معرفی خواهیم کرد.

باب صفتی برجسته

باب‌یا باب الله در برخی از احادیث اسلامی به عنوان صفت پیامبر اکرم(ص) و دوازده امام ممکن است(ع) به کار گرفته شد. چنان که واره‌های دیگری مانند: «صراطی»، «سببی»، طریقی و «سببیل» به همه تعبیرهای دیگری از «باب الله» اندازه‌ای(ع) به کار رفته است.

امام باقر(ع) به پیامبر(ص) لقب «باب الله» و «سببیل الله» داده است: «آن رسول الله(ص) باب الله که نیفرء لغایته و سبکه الی که سلکه وصل الی الله». حضرت علی(ع) نیز در چند روایت به «باب» و «باب الله» و «باب الجنت» خوانده شده است. مانند:

۱. ان‌علی‌باب‌فتحه الله فنن دخله کان ممؤمناً.
۲. ان‌علی‌باب‌من ابواب الهی فنن دخله کان ممؤمناً.
۳. ان‌علی‌باب‌من ابواب الجنتا فنن دخله بابا کان ممؤمناً.
۴. انا مدينة العلم و علی بابا فنن اراد العلم فلیأت الباب.

ابن حدیث صحیح متواری است. فردوسی آن را چنین معنی کرده است: که من باب علم علیم در است درست این سخن گفت یغمگیر است و مولانا جلال الدین رومی آن را چنین تفسیر کرده است: چون تو بابی آن مدينة علم را چون شعاعی آتیب حلم را باز باش ای باب بر جویای باب تارسند از تو قشور الهد لباب باز باش ای باب رحمت تا ابد بارگاه الگ کفواً واحد
ذكر حديث معروف كه به روایت های گوناگون و در حکم تواتر در کتاب‌های حدیثی اهل سنت و شیعه نقل شده است، یاهربر، ص، خود را شهر علی حکم، فقه، بهشت و خانه دانش و حکمت (مدينة العلم)، «مدينة الحكمة»، «مدينة الفقه»، «مدينة الجنة» و «دارالعلم»، خزانة العلم، «دارالحكمة» و حضرت علي (ع)، را «باب» آن خوانده است.

باب مدينة العلم، عنوانی است که حضرت رسول (ص) به امام علی (ع) داد و فرمود:

„چنان که در حديث دیگر، یاهربر، ص، حضرت علی (ع)، را یاد گرفته و یک باب خدا و یک باب خدا نامیده است."

باب الجنة کتابی از امام حسین (ع) است. یاهربر اکرم، ص، فرمود:

„لا و انقل الحسنین باب من اپراب الجنة من عائده حرم اللّه عليه ريح الجنةـ."

ابواب الله

در احادیث و روایات تفسیر، اهل بیت اطهار و امامان معصوم(ع)، به واسطه میان خدا و خلق ند. نابوده لکه خوانده شده‌اند: هم چنین که از آنات به طرق و سبیل و سبیل و صریح تعبیر شده است. امام سجاد(ع) در مطافی خود و اهل بیت اطهار(ع) می‌فرماید:

"ننک اپابر الله و ننک الصراف المستقيم و ننک عبیده علمه".

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

"ننک الشمار والاصحاب والخزنة والابواب ولائنه الپروت الا ننک اپابرها".

جمله اخیر آن حضرت، اشاره‌ای است به آیه شریف:

"ليس بشرًا أن تأوى الپروت من ظهورها ولكن البیر من آنات و آنات الپروت من اپابرها".

برخی از مفسران نیز مقصود از "ابواب" را در این آیه، آیه(ع) دانسته‌اند که "طريق" و "باب" راه یافتن به میدینه علم یابربرد.

از حضرت رضا(ع) م通知书: "ما" را در آیه "آن اسم ماکم ورحاً فهم یُأتيکم بی ما معین"، پرستیدند و او در پاک، فرمود: "ماکم اپابرکم آی الائمه والائمه اپابر الله". در این تفسیر "ماء" در معنای مجازی به کار رفته است؛ یعنی آب و وسیله حیات است و اگر آبها بخشکند، راه حیات بسته است. امامان معصوم(ع) مانند آبی همستند که حیات معنوی مردم به ایلان وابسته است و در حقیقت اپابر وصول به حیات معنوی و واقعی ان و اگر در جهنم، آماده و حجتی نباشند، باب حیات معنوی مسند است و کسی "ماء معین" یا آب گوارای زندگی
امام زمان(ع) به عنوان باب‌های امام جواد، امام هادی و امام عسکری(ع) نیز نام برده شده‌اند.
اعلاه بر نوبه اربه که هر یک پس از دیگری، باب حضرت حجت(ع) یافتند. کسانی
دهگن نیز به «باب» معروف هستند؛ او در عصر خود، از ثقافت و برجستگی شیعه به شمار
می‌رفت و به دست سفرای اربه تویق‌تی به نام آن‌ها از طرف حضرت مهدی(عج) صادر
گشت‌ه است.
برخی از بزرگان شیعه که در کتاب‌های تراجم و مناقب از آن‌ها به «باب» تعبیر شده است،
عبارتند از:
1. ابوالحسن، مهمندین حسن ابوی، اسدی کوفی رازی، باب حضرت حجت(عج) در «ری»;
2. اردیبه (صاحب جامع الرواها) می‌گوید: «کان احدها قوا».
3. ابوعلی احمدی اسحاقی شعری قمي از أصحاب حضرت جواد(ع) و علی الهادی(ع)
و باب حضرت حجت(عج) در قم، وی به خدمت حضرت حجت(عج) رسید و باب امام در
قیم بود.
4. ابراهیم بن محمد همدانی، باب امام مهدی(عج) که جهت بار حج انجام داده
است.
5. ابوسعاده ابراهیم بن مهیار اهوازی، باب امام(ع)؛ کشی دربرده او می‌گوید:
و کان وکیل الناحیة و کان الأمر پایدار عليه».
6. احمدین حمزه بن الیس، قمی، باب امام حجت(عج).
7. ابوهشم قاوود بن الملك قیس، باب امام حجت(عج).
8. محمود أبو محمد الوجائی، باب امام حجت(عج).
9. محمود ابراهیم بن مهیار؛ اردیبه (می‌گوید: وی نیز مانند پدرش، ابراهیم بن
مهیار، از ابواب امام و وکیل آن حضرت بود.
10. عمر اهوازی از ابواب حضرت حجت(عج).
11. ابوعلی، عبداللله ابو غانم قروینی که به نام وی از حضرت حجج (عج) توقیع صاد
گرديد. وی باب امام (ع) در قروین بود.

یادآوری

1. چنان که سید محسن عاملی امین گفته است: ظهراً نواه اربعه که به باب امام نیز
معروف هستند دارای نیابت عامل بودند و دیگر سفرا و اوباب امام، دارای سفارت و وکالات در
امور خاصه بودند.

2. برخی بر این عقیدهاند که اگرچه تعییر (باب) در برخی از کتب تراجم، مناقب و سیر
اثم (ع) برای باران زدیک و خاص ایشان به کار رفته ولی در سخنان خود پیشوابان مصوص
و سپس در نوشته‌های محدثان و رجایان، از به کار بردن آن در مفهوم مثبت، پرهمی می‌شده
است؛ همچنان که نواه اربعه را نیز عموماً «سرفراء» و «ولایه» می‌خوانند و از نمایندگان
امام کاظم (ع) به «قول» نوشت طرحی می‌کردند.

3. برخی از کسانی جون نمی‌رزند و شعلغانی، به عنوان مدینیان (بابیت) نام می‌برند.

باید دروغین

1. برخی از اشکالات رفت در عصر حضور کسانی خود را به دروع باب ائمه (ع) معرفی کرد و
2. بدون سیب به تکذیب و تفاوت ایشان گرفتار شدهاند. در این بخش از نوشته، به شناسایی
3. برخی از این افراد در عصر حضور و غیبت می‌پردازند تا ضمن اطلاع رسالی تاریخی، هشداری
4. باشد برای شناختن و دوری جستن از مدینیان دروغین باید با وکالت و نیابت خاصه در این
5. عصر. که از راهای گوناگون مانند: اینترنت به فعالیت و انحراف مردم می‌پردازند. و در
6. نتیجه بستن راه‌های نفوذ و ترویج باطل.

برخی از مدینیان دروغین باید در عصر حضور عباردند از:

1. علی بن حسکه
2. قاسم یقطینی
3. محمدین فرست
برخی از مدعیان دروغ‌گوی‌های «بابیت» در عصر غیبت

در میان شیعیان گروهی از همان آغاز غیبت به کذب و افترا ادعای بابیت و سفارت نمودند که در خود آنها عبرتند از:

1. ابوالحسن شیری: وی که از اصحاب امام به زاده‌عم (ع) بود نخستین شخصی است که بابیت را به دروغ مدعی گردید و این مقام را به خود نسبت داد.

2. محبوبن نصیر تقی: مؤسس فرقة «نصیریه» که پس از ابوالحسن شیری ادعای بابیت نمود و از غلات است و حضرت جهادی (عج) او را لعن کرد و هنگام مرگ زبانش سنگین شد، به گونه‌ای که وقتی پیروانش از او پرسیدند باب بعد از تو کیست؟ او به کمک گفت: احمد پیروانش مقصود او را که عرض کدام احمد است، نفهمیدن و به سه فرقة تقسیم شدند: فرقة یک مقصود احمد و فرقة دوم گفتند: احمد می‌خواهد فرقة سوم به احمدین ابی الحسن بن بشر گوییدند و هر سه آنان ادعای بابیت نمودند.

3. حسن بن منصور خلیج، عارف مشهور، از مدعیان بابیت.

4. ابویجفر، محمدین حسنی شلمقانی. معروف به ابن ابی المهاجر، مدعاون بابیت.

5. ابویجفر، محمدین احمدین عثمان بن بدرزاده، بابیت محمدین عثمان بن سبید عمر سفید دوم حضرت جهادی (عج) از مدعیان بابیت.

6. احمدین هلال کرخی، (۱۲۲۷ ه. ق) از مدعاون بابیت دبیر شده و گفتند: «کان غالباً مه‌ما در دینه ورود فی ذموع عن سیدنا ابی محمد العسکری.»

7. ابویجفر مجنون، محمدین مظفر الکاتب از دیگر کتاب‌های اخبارالشعراء از مدعیان بابیت.

8. عبّادالله بن میمون القناد در سال ۲۰۱ ه. ق مدعی نیابت خاصه گردید.

9. یحیی بن زکریه (دکریه) در سال ۱۸۳ ه. ق مدعی نیابت خاصه وا باب امام
10. محمذین سعد شاعر کوفی متون‌ای سال ۱۴۶۰ ه. ق. مدعی باب امام گردید.
11. احمدین حسن رازی متون‌ای سال ۱۴۶۰ ه. ق. مدعی باب امام گردید.
12. سید شرف الیمن ابراهیم متون‌ای سال ۱۴۶۳ ه. ق. مدعی نیابت خاصه و باب امام گردید. سپس مدعی امامت شد. از شیراز به خراسان رفت، مدتی در خراسان بود و هنگام برگشت به شیراز، دعای خود را اشکار کرد.
13. حسین بن علی اصفهانی کتاب مثنوی ۱۳۵۳ ه. ق. صاحب کتاب «ادب المرء».
14. علی بن محمد سجستانی بندادی متون‌ای سال ۱۴۶۰ ه. ق. صاحب کتاب «ایاقط».
15. محمد نوربخش، رئیس و مؤسس فرقة نوربخشیه (۹۶۹ ه. ق.) در سال ۱۴۶۱ ه. ق. مدعی نیابت و باب امام گردید و سپس مهدویت خود را اعلام نمود.
16. سید محمد هنده متون‌ای سال ۱۴۶۷ ه. ق. وی که ادبی و شاعر بود، در مشهد می‌زیست و مدعی بابیت گردید.
17. محمدین فلاح مشهور رئیس مشغولین خوزستان که دعوی نیابت خاصه و بابیت نمود. سپس مدعی مهدویت شد و در سال ۱۴۶۱ ه. ق. دعوت خود را اشکار نمود. وی سال‌ها در خوزستان حکومت نمود تا آن که در سال ۱۴۸۰ ه. ق. وفات یافت.
18. عباس فاطمی؛ در اوایل قرن هفتم میلادی از آنان که اولین بابیت خاصه و مهدویت نمود. وی دارای بیروانی بود و دولتی تشکیل داد و شهر فاس را تصرف نمود و در پایان کار به مکر و جیله به قتل رسید و دو تا وی منقرض گشت.
19. دروش رضا قزوینی؛ متون‌ای ۱۴۱۳ ه. ق. مدعی بابیت بود و در عصر شاه صفی صفوی خروج کرد. وی از طایفه مانلو است و در زی دروشان و قلندران به سیاحت پرداخت. سپس به مقام ریاست و رهبری رسید.
20. شیخ مهدی مشهدی متون‌ای ۱۳۵۱ ه. ق. دارای تأثیراتی چون الامام و الملاحم است، مدعی بابیت گردید.
21. سید علی مشهدی بن‌زار که در زمان سلطانت سلطان سلیمان صفوی می‌زیسته مدعی بابیت گردید.
22. محمد فاسی مغربی متون‌ای ۱۳۴۵ ه. ق. صاحب کتاب سپیل الاولیاء، مدعی بابیت گردید.
23. میرزا محمد هروی مدنی در هندوستان بود و تأثیرگذار در این کشور بود.
قارص حضارت امیرمومنان(ع) از آن جمله است. وی در زمان فتح حLEAR بس از آن که مدعی باپیت گردد، به قتل رسید.

۲۴ محمدین عبدالله حسان المُهَدی، پس از تحصیل در علوم دینی به حج رفت و از مکه به عربستان بارگشت و از مددیان اصلاح بود و در سال ۱۸۹۹ میلادی خود را باب و سپس مهدی موعود اعلان نمود. وی مؤسس فرقة صالحیه است.

۲۵ محمد احمدین عبدالله سودانی (۱۸۴۳-۱۸۸۵ م) از خاندان سادات حسینی، پس از تکمیل علوم دینی به حج رفت و در باگشت از مکه مکرمه خود را باب امام سپس مهدی موعود اعلان نمود و تمام قبایل کردخان و دارخور و بحرالغزال و سودان شرقی با وی بیعت کردند و به جنگ با انگلیسیها که سودان را تصرف کردند پرداخت و خرطوم پایین‌تری سودان را فتح نمودند و در ام درمان وقت یافت.

علاوه بر این عداوی که اسامی آنان ذکر شد، هر از چند گاهی، افرادی به دروغ اطاعت بابت می‌کنند. در قرن سیزدهم هجری آن که در این ارتباط گروهی را به انحراف کشانید، سید علی محمد شیرازی بود که فرقة ضاله بایده را نهاد و تفصیل ماجرای را در همین مجله آمده است. در سال‌های اخیر، برخی دیگر از این موضوع سوء استفاده کرده و به دروغ ادعا‌هایی را مطرح کردند، ولی مورد قبول دیگران قرار نگرفته‌اند.

به خواست خداوند، در نوشته آنی از فرقة ضاله بهانه که پس از بایت به وجود آمد، سخن خواهیم گفت.
1. دانشکده جهان اسلام، زیر نظیر مصرفی مدرسان، ج 1، ص 346. در این مطالعه، مصرف مصرفی شده در گروه شرکتی، اغلب هنگام اقتصادی و عرفانی است. بازرسی و نظر در مورد این موضوع، زیر می‌باشد: "بهاء".

2. بازرسی و نظر در مورد این موضوع، زیر می‌باشد: "بهاء".

3. اصول کافی (379) ص 346.

4. همان: ص 346.

5-6. علی‌اکبر همدانی، مصرفی مدرسان، ج 1، ص 346. در این مطالعه، مصرف مصرفی شده در گروه شرکتی، اغلب هنگام اقتصادی و عرفانی است. بازرسی و نظر در مورد این موضوع، زیر می‌باشد: "بهاء".

7. بازرسی و نظر در مورد این موضوع، زیر می‌باشد: "بهاء".

8. رک: "بهاء".

9-10. همایش‌های و نشست‌های اجتماعی، ص 346. در این مطالعه، مصرف مصرفی شده در گروه شرکتی، اغلب هنگام اقتصادی و عرفانی است. بازرسی و نظر در مورد این موضوع، زیر می‌باشد: "بهاء".

11. بازرسی و نظر در مورد این موضوع، زیر می‌باشد: "بهاء".

12. رک: "بهاء".

13. رک: "بهاء".

14. پژوهش و اندازه‌گیری، ص 346. در این مطالعه، مصرف مصرفی شده در گروه شرکتی، اغلب هنگام اقتصادی و عرفانی است. بازرسی و نظر در مورد این موضوع، زیر می‌باشد: "بهاء".

15. رک: "بهاء".

16. رک: "بهاء".

17. رک: "بهاء".

18. رک: "بهاء".

19. رک: "بهاء".

20. رک: "بهاء".

خیابی 3768. کتاب "بهاء" نام برده شد. 

شیاطین